

جلسه ششم شرح دعای افتتاح

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۰/۰۹/۱۴۴۰ هجری قمری با ۲۶/۰۲/۱۳۹۸ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا، حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ (ص)

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَالْعَنُ الدَّائِرِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

در روزهای پایانی ضیافت الهی، ماه مبارک رمضان به سر می‌بریم. امیدواریم ان شاء الله در شب‌های قدر گذشته، بهترین‌ها برای ما مقدر شده باشد. در بحث دعای افتتاح و سیری در این دعا بودیم. بخش پایانی این دعا را چند جمله‌ای من زمزمه کنم و بعد هم عرائضی تقدیم (می‌کنم).

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ، اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي

ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصُرْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا

عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَرَوَ

أَهْلَهُ، وَتُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ».

صلواتی عنایت بفرمایید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

یکی از معارفی که در دین اسلام بر روی او تاکید شده است این است که ما در جهان هستی مرده نداریم و این زاویه دید انسان را نسبت به عالم و آدم عوض می‌کند. یعنی یک موقع من این جا که نشستم، تصورم بر این است که این گل مصنوعی که در مقابل من است یا این میکروفون یا این میز یا این صندلی موجوداتی مرده هستند. نه مسئولیتی دارند، نه ادراکی دارند، نه شعوری دارند اما یک موقع ادراک من این چنین است که همه عالم زنده است. انسان مسلمان بر طبق آموزه‌های قرآن کریم باید این چنین تصویری از عالم و آدم داشته باشد.

«إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»، هر چیزی در عالم ثناگوی پروردگار است. اگر ادراک نداشته باشد، شعور نداشته

باشد، این ثناگویی معنا ندارد. تعامل با عالم به عنوان موجودات زنده‌ای که در حال عبادت پروردگارند، در حال

انجام وظیفه‌اند، انسان را وارد دریایی از معارف می‌کند. یکی از موجودات عالم، زمان است مثل مکان، زمان

موجودی از موجودات عالم است و این زمان، زنده است. نگاه انسان هم باید با او این چنین باشد. اگر بخواهیم

به مناسبت آن چه در آن به سر می‌بریم، سخن بگوییم، ماه مبارک رمضان موجودی زنده است. در آن عالم، مکان

و زمان از موجوداتی هستند که شهادت می‌دهند، گواهی می‌دهند.

از کجا می‌فهمیم ماه رمضان زنده است؟

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه هم برای ورود به ماه رمضان دعا دارد هم برای وداع با ماه رمضان

دعا دارد.

انسان در این دعاها و وداعیه و وداعیه امام سجاد (ع) دقت که می‌کند، می‌بیند علی ابن الحسین (سلام الله علیه)

با ماه رمضان به مانند یک موجود زنده‌ی فعال نشیط موثر اثرگذار سخن می‌گوید. یکی از مطالبی که حضرت در

این دعاها دارد این است تو ماهی هستی که از وقتی که تمام می‌شوی تا سال آینده که برمی‌گردد، دوستان خدا،

اولیای خدایی برای رسیدن تو ثانیه‌شماری می‌کنند و لذا در روایت هم داریم پیغمبر (سلام الله علیه) فرمود: «اگر مردم می‌دانستند در ماه رمضان چه خبر است، تمنی می‌کردند که همه سال رمضان می‌بود».

این را برای این عرض کردم که این دو، سه روز باقیمانده ماه رمضان را قدر بدانید. در روایت داریم که خدای

متعال در هر شب ماه رمضان یک میلیون نفر اَلْف، اَلْف از آتش دوزخ نجات می‌دهد. در شبانه‌روز جمعه در ماه رمضان در هر ساعت از ۲۴ ساعت، یک میلیون نفر را خدای متعال از آتش دوزخ نجات می‌دهد. شب آخر ماه رمضان که می‌شود به خاطر حسن بدرقه این ماه خدای متعال به تعداد افرادی که از شب اول از آتش دوزخ نجات داده (است)، انسان‌ها را از آتش دوزخ نجات می‌دهد و ما هنوز به شب آخر ماه رمضان نرسیدیم. در شب آخر باید حواسمان جمع باشد. دیشب شب بیست و هفتم از شب‌های بسیار مبروک ماه رمضان بود. شب آخر را در پیش‌رو داریم، اگر بشود انسان حرم مطهر علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) مشرف شود و سعادت زمانی را با سعادت مکانی با سعادت حالی، یک حال خوشی را خدا روزی‌اش کند، بتواند برات نجات از آتش را بگیرد. امام حسین (علیه السلام) در پایان دعای عرفه به خدا عرضه داشت خدایا یک چیز از تو می‌خواهم اگر بدهی، همه چیز را دادی، اگر ندهی هیچ چیز به من ندادی و او این است که من دوزخی نباشم، جاودانه در آتش نباشم. انسان در این دنیا همه نعمت‌ها را داشته باشد اما اگر آتشی بود، دوزخی بود کَأَنَّ هَيْجَ چیز ندارد.

«إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا»، اگر تو این را به من بدهی همه چیز دادی. لذا قرآن کریم فرمود که «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ».

اگر کسی این قدرت و هنر را در زندگی‌اش داشته باشد، به گونه‌ای زیست کرده باشد که در آن دنیا از آتش دور شود و وارد بهشت شود، این علوی زندگی کرده (است).
علی ابن ابیطالب (ع) فرمود فُزْتُ، این هم فَقَدْ فَازَ، این هم رستگار شده است و به فلاح دسترسی پیدا کرده (است).

خب این تذکری در این پایانی‌ترین روزهای ماه رمضان بود، خدمت عزیزان خودم عرض کردم. یک بخشی از دعا را که در ارتباط با آینده جهان از دیدگاه شیعیان است خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم.

مستحضری در این که عالم و آدم به چه سمت و سو دارد می‌رود، مکاتب عالم هر کدام نگاهی دارد. کمونیست‌ها یک جور می‌اندیشند، مائوئیست‌ها یک جور می‌اندیشند، یهودی‌ها یک جور فکر می‌کنند، مسیحی‌ها یک جور فکر می‌کنند. مذاهب مختلف اسلامی، مذاهب کلامی، متفاوت می‌اندیشند. اصولاً یک بحثی است که آینده عالم و آدم به چه سمت و سوی پیش می‌رود، بحث مهمی هم هست.

امروزه ما در کشورهای پیشرفته دیپارتمان‌های متعددی داریم تحت این عنوان آینده‌نگری و آینده‌نگاری. یعنی استراتژیست‌ها می‌نشینند، می‌خواهند بررسی کنند که جهان به چه سمت و سوی می‌رود. الان این فکر غالب استراتژیست‌های دنیا است که تمدن از آمریکا دارد رحلت می‌کند، کوچ می‌کند. حالا کجا سر درمی‌آورد، خودشان می‌گویند تمدن مثل مار است، سرش را که داخل زمین کرد، می‌دانی از کجا تو رفت ولی از کجا می‌آید بیرون، می‌گویند این را باید حدس بزنیم. حدسشان هم این است، می‌گویند تمدن دارد به خاورمیانه می‌آید. به اعتبار سه تا کشور که یکی چین است و یکی ایران است. برای هر کدام هم ماموریت و مسئولیتی در نظر دارند. ایرانی‌ها را به واسطه پیشتازی اعتقادی می‌گویند ملت تمدن‌سازی هستند. حالا از این بگذرم، از دیدگاه ما شیعیان، آینده جهان سه مرحله را پشت سر خواهد گذاشت، این سه مرحله عبارت است از:

۱. مرحله ظهور

۲. مرحله رجعت

۳. مرحله قیامت

ما اگر بخواهیم کد بدهیم، آدرس بدهیم، بگوییم ما الان کجا هستیم، بزرگان ما می‌گویند ما در مرحله پیش‌ظهوریم. در مرحله پیش‌ظهور یعنی همان گونه که غیبت را به دو بخش تقسیم می‌کردند، غیبت صغری و غیبت کبری. روایات ما ظهور را به دو بخش تقسیم می‌کند، ظهور اصغر و ظهور اکبر و برای این دو بخش ظهور اصغر و ظهور اکبر علائم و نشانه‌هایی را برای ما بیان کردند.

از علائمی که در روایات ملاحم و الفتن که یک باب در روایات ما است. از روایاتی که در باب علائم الظهور برای ما، اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند ما می‌فهمیم در مرحله پیش‌ظهوریم. من یاد ندارم از بعد از غیبت صغری تا الان که در خدمت شما نشستیم، ما زمانه‌ای را داشته باشیم که اجماع اهل دل، اجماع عارفان، اجماع کسانی که چشمشان به حقایق عالم باز است بر این باشد که این مقدار ظهور نزدیک است. وقت تعیین نمی‌کنیم ولی تمام اهل دل از مرحوم آیت الله بهجت بگیرد، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی بگیرد

و دیگر عزیزانی که اهل دل هستند بر این مطلب اتفاق دارند که ما در مرحله پیشاظهاریم و ظهور بسیار نزدیک است. خب، اولین مقطعی که شیعه به او معتقد است، بحث ظهور است. الان این عباراتی را که ما در دعای افتتاح می‌خواندیم، «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ».

خدایا ما رغبت داریم، امید داریم در احیا و پیدایش یک دولت کریمه‌ای که اسلام در او عزیز باشد، اهل اسلام در او عزیز باشد. نفاق در او ذلیل باشد، اهل نفاق در او ذلیل باشد. این اشارت به دولت ظهور دارد. خود ظهور مقدمه رجعت است. اهل بیت عصمت و طهارت ظهور را و اعتقاد به ظهور را خصیصه شیعه ندانسته‌اند چون ظهور کسی به عنوان مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)، این مورد اتفاق مسلمانان است. یک مسلمان در عالم نداریم که به مهدویت معتقد نباشد. به موعود عالم همه ادیان معتقدند. یهودی‌ها معتقدند، مسیحی‌ها معتقدند اما به مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)، همه مسلمانان اعتقاد دارند. تعداد سنیانی که در ارتباط با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) کتاب نوشته‌اند از تعداد شیعیانی که در این زمینه کتاب نوشته‌اند بیشتر است، آمار هست. یک شخصیت داریم جلال‌الدین سیوطی، ما کتاب سیوطی‌اش را در حوزه‌ها می‌خوانیم. این راجع امام زمان (علیه السلام) سه تا کتاب نوشته (است). کمتر شیعه و عالم شیعه‌ای داریم که راجع حضرت سه تا کتاب نوشته باشد البته حالا آن مهدی به دنیا آمده یا دنیا خواهد آمد، بین اهل سنت اختلاف است. بیش از صد نفر از علمای اهل سنت که اسامیشان ضبط شده (است)، معتقدند به دنیا آمده (است)، هست. ابن عربی می‌گوید من او را ملاقات کردم، با او روبوسی کردم، دو بار در عمرم او را دیدم و دست او را بوسیدم. این نظر هم در اهل سنت هست اما به هر حال عده بسیاری از اهل سنت می‌گویند بعداً به دنیا خواهد آمد. خب، ظهور را به عنوان ویژگی شیعه نگفتند ولی رجعت به عنوان ویژگی شیعه گفته شده (است) چون رجعت را ما معتقدیم، دیگر مذاهب معتقد نیستند. ما معتقدیم امام زمان (علیه السلام) حسن مطلع حکومت حق است و گرنه اهل بیت عصمت و طهارت برمی‌گردند، چند نفرشان برمی‌گردند و هر کدام چه قدر حکومت می‌کنند، اختلافی است. مثلاً از مواردی که حتماً رجعت دارند، امیرالمومنین (سلام الله علیه) است، مقدار حکومت حضرت، هفتصد سال گفته شده (است) و سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام)، مقدار حکومت امام حسین (علیه السلام) هم طولانی گفته شده است. مرحوم شهید مطهری در جایی نوشته‌اند من حدس می‌زنم دوران رجعت چند میلیون سال به طول می‌انجامد. این جور نیست امروز امام زمان (سلام الله علیه) بیاید، فردا هم رجعت صورت بگیرد، پس فردا هم قیامت شود. سر مطلب هم آن است که این کره خاکی را خدای متعال بر اساس هدف مقدسی آفریده است، آن هدف مقدس باید محقق شود لذا دوران رجعت، دوران طولانی‌ای است و اعتقاد به رجعت هم از ویژگی‌های ما است، از ویژگی‌های تشیع است. اگر کسی به رجعت معتقد بود، این یهودی نیست، مسیحی نیست، مسلمان اهل سنت نیست، شیعه اثنی‌عشری است. ما بزرگی در اصحاب امام صادق (علیه السلام) داریم به نام مومن الطاق. مخالفین ما به آن شیطان الطاق می‌گویند ما مومن الطاق می‌گوییم. بسیار زبان برنده‌ای دارد، اهل جدل، اهل مناظره، دانشمند، بسیار انسان دوست‌داشتنی، ائمه (علیهم السلام) هم دوستش دارند. این داشت راه می‌رفت، ابوحنیفه با او برخورد کرد، سلام و علیک و احوال‌پرسی، سر درس امام صادق (ع) هم یکدیگر را دیده بودند. می‌دانید بزرگترین فرقه اهل سنت، حنفی‌ها هستند و بزرگ حنفی‌ها ابوحنیفه است و ابوحنیفه این مطلب از او متواتراً نقل شده است، «أَوْلَى السُّنَّتَانِ لَهْلَاكَ النُّعْمَانِ». اگر آن دو سالی که من پای درس امام صادق (علیه السلام) زانو زدم نمی‌بود، نعمان، اسمش نعمان (است)، هلاک می‌شد، بیچاره می‌شد و این افتخار شیعه است که امام آن‌ها شاگرد کوچکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) است. به هر حال ابوحنیفه رو به مومن الطاق کرد، گفت: «تو به رجعت معتقدی؟».

گفت: «بله، من به رجعت معتقدم».

گفت: «پس بیا یک کاری بکن».

گفت: «چه کار کنم؟».

گفت: «بیا صد دینار به من قرض بده، در رجعت تو برمی‌گردی، من هم برمی‌گردم، من به تو برمی‌گردانم. الان بده در رجعت بگیر».

جناب مومن الطاق خیلی زیرک است گفت: «امامان ما به ما یاد دادند. گفتند در رجعت همه آن کسانی که برمی‌گردند به صورت آدمیزاد برنمی‌گردند. دو تا شاهد بیاور وقتی برگشتی به چه صورت هستی؟، حیوانی؟، انسانی؟»

من نمی‌دانم، من بتوانم تو را پیدا کنم صد دینارم را برگردانم بعد بیا صد دینار به تو بدهم. من که بالاخره قرض است، قرض را باید استیفاء کنم، نمی‌دانم که تو با چه قیافه‌ای برمی‌گردی که بتوانم مالم را برگردانم».

آن قدر این بحث در نظر شیعه مسجل بوده (است) که به عنوان یک طنز گاهی مورد اقبال قرار می‌گیرد. ما در دعای افتتاح از خدای متعال می‌خواهیم، خدایا امام زمان (علیه‌السلام) بیاید و این اهداف بلند را پیاده کند. یکی از اهدافی که ما از خدا می‌خواهیم، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به آن دسترسی داشته باشد این هدفی است که مرحوم امام، مقام معظم رهبری سراغ این هدف رفته‌اند و چه مقدار حالا به این هدف دستیابی پیدا کرده باشند.

«اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِنُورِ دِينِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ»، خدایا دین خودت را به وسیله حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) اظهار کن، آشکار کن. سنت پیغمبرت را به وسیله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) آشکار کن، تا کجا آشکار شود؟

«حَقٌّ لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ». تا آن جایی که امام زمان (علیه‌السلام) هیچ حقی را به خاطر ترس از خلائق نادیده نینگارد، یعنی چه؟

یعنی ما نمونه حکومت اسلامی را در عهد اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در زمان سه معصوم داریم. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در مدینه ایجاد حکومت کردند. بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چهار سال و هفت ماه امیرالمومنین (ع) حکومت کردند. بعد از امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، شش ماه امام مجتبی (علیه‌السلام) حاکم بودند. ده سال پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، چهار سال و هفت ماه علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام)، شش ماه هم امام مجتبی (علیه‌السلام)، مجموعاً پانزده سال (حکومت کردند) و در این پانزده سال بسیاری از حقایق دین از ترس از مردم قابل ارائه نبود. خلیفه دوم وارد مسجد شد دید مردم دارند جدا، جدا نماز می‌خوانند، کی؟ ماه رمضان.

مستحضرید، استحضار دارید، این نمازهای هزار رکعتی که اهل سنت به نام تراویح می‌خوانند این از بافضیلت‌ترین اعمال ماه رمضان است که ما شیعیان قدرش را نمی‌دانیم.

نماز، سنت پیغمبرمان است، این هزار رکعت و بسیار مورد تاکید بوده (است)، متأسفانه ما نمی‌خوانیم. در سنت تربیت مرحوم آقای قاضی، شاگردان سلوکی ایشان هر سال می‌خوانند. خیلی هم نماز، روشن و واضح است. بیست روز اول ماه رمضان چهار تا دورکعتی بعد از مغرب، شش تا دورکعتی بعد از عشاء (خوانده می‌شود). چهار تا دورکعتی بعد از مغرب، شش تا دورکعتی بعد از عشاء (خوانده می‌شود). در دهه آخر ماه رمضان چهار تا دورکعتی بعد از مغرب اما بعد از نماز عشاء دو بل است، این‌ها مجموعاً هفتصد رکعت می‌شود. شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم علاوه بر این‌ها صد رکعت اضافه می‌شود. این مجموعاً هزار رکعت می‌شود، این را اهل سنت به آن صلاه تراویح می‌گویند. اگر ماه رمضان بیست و نه روزه بود، آن سی رکعت روز آخر در اولین جمعه بعد از ماه رمضان خوانده می‌شود. این هزار رکعت بسیار پرثواب است. از الان در این مجلس تصمیم بگیرید سال آینده این نماز را در ماه رمضان بخوانید. خب، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سنتش این بود، می‌خواند، ائمه (علیهم‌السلام) می‌خواندند. خلیفه دوم وارد شد دید مردم دارند جدا، جدا این نماز را می‌خوانند. گفت چه بهتر به جماعت خوانده بشود. یک امامی جلو گذاشت، مردم به جماعت ایستادند، فردا شب آمد دید جماعت بسته شده (است)، گفت: «بِدَعَةٍ وَنِعْمَةِ الْبِدْعَةِ». بدعت خوبی گذاشتیم، خوب بدعتی است. این همین شد که صلاه تراویح شد و حال این که ما می‌دانیم سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این بود که هیچ نماز مستحبی به جماعت خوانده نمی‌شود، جماعت مال واجب (است). هیچ نماز مستحبی، جماعت خوانده نباید شود. حالا این بدعت گذاشته شد، درست. امیرالمومنین (علیه‌السلام) که در مدینه به حکومت رسیدند، سال اول امام مجتبی (علیه‌السلام) را در مسجد فرستادند، فریاد برآوردند که صلاه تراویح به جماعت خواندنش بدعت است و این باید ترک شود. خلاف سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، نباید انجام بشود. فردای آن روز، قبل از ظهر، یک تظاهرات عظیمی در مدینه راه افتاد. مردم به سمت خانه امیرالمومنین (علیه‌السلام)، شعارشان چه بود؟

«وَأَسْنَةَ عُمْرَاهُ»، وای که سنت عمر از دست رفت. همان سنتی که علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) خلافتش دوازده سال تاخیر افتاد به خاطر این که گفت من به آن سنت عمل نمی‌کنم، من به سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عمل می‌کنم. وقتی عبدالرحمان به او گفت دستت را بده بیعت کنم وگرنه با عثمان بیعت می‌کنم، دستت را بده بیعت کنم به شرطی که به کتاب خدا، سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، سنت شیخین، ابوبکر و عمر عمل کنی. حضرت فرمودند: «کتاب خدا، سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و آن چه خودم از دین می‌فهمم نه سنت

شیخین». علی را ول کرد با عثمان رفت. حالا، آمده می خواهد این بدعت را بردارد، نتوانست.

امیرالمومنین (علیه السلام)، امام مجتبی (علیه السلام) را فرستادند، گفت در جمعیت برو، بگو «إِفْتَعِلُوا كَمَا كُنْتُمْ تَسْمَعُونَ»، هر غلطی که می کردید، بکنید، نشد (که این بدعت را بردارد).

در زمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) این حرف ها نیست، «حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ فَخَافَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ». الان من آخوند پشت این تریبون که نشستم، بیست درصد دین را نمی توانم بگویم چون مخاطب من کشش شنیدن ندارد. یعنی من اگر یک روز بخوام پشت این تریبون بنشینم بگویم، آقا این وضعیت ورزش در جهان امروز، اسلامی نیست. نگاه دین این است که بدن باید در حدی ورزیده باشد که روح را تحمل کند، بیش از آن، لغو است، بی فایده است. این که یک آدمی سی سال زیر توپ بزند یا روی توپ بزند یا هد بزند یا مشت بزند، این نگاه، نگاه اسلامی نیست.

نمی شود تلفظ کنم. می گوید پس آقا مسابقات جهانی چه می شود، پس المپیک کجا رفت.

«حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ فَخَافَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ».

وقتی امام زمان (علیه السلام) آمد، تمام عقده های انبیایی و اوصیایی طول تاریخ باز می شود، چرا؟ چون انبیاء و اوصیاء نتوانستند حرف خدا را صد درصد پیاده کنند. حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) با لطف الهی که معزوز و معزز به، «أَعَزَّهُ وَأَعَزَّزَ بِهِ»، با لطف الهی، تمام حقایق دین الهی را پیاده می کند. سانت به سانت دین خدا پیاده می شود. این جور نیست که از ترس مردم بعضی از امور را نگوید. پیش امام صادق (علیه السلام) آمد گفت آقا من یک سوالی از شما کردم، یک جوابی دادید. ذریح محاربی هم پیش شما آمده (است)، آن هم سوال کرده (است)، یک جواب دیگری به آن دادید.

آن جواب حق است؟، این جواب حق است؟

به من چیزی گفتی، به او چیزی گفتی.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وَمَنْ يَحْتَمِلُ مِثْلَ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ». کی مثل ذریح محاربی تحمل دارد که حقایق را به او بگویم. نخیر، آن حرفی که به ذریح زد، درست است. به تو اگر گفتم، تقیه کردم. مرحوم شهید مطهری می فرمایند: «تقیه، از خودی ها است نه تقیه از بیگانگان».

امام صادق (علیه السلام) دارد از یک شیعه علی ابن ابیطالب (علیه السلام) تقیه می کند چون کشش ندارد، تحمل ندارد. اگر حق را به او بگویی قال می کند، داد می زند.

(امام صادق) فرمود: «وَمَنْ يَحْتَمِلُ مِثْلَ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ». به این جا رسید، بگذارید این روایت را هم بگویم. یک بزرگواری ما در جهان شیعه به نام جابر ابن یزید جعفری داریم. این شاگرد امام باقر (علیه السلام) است، شاگرد امام صادق (علیه السلام) است. یک روز در خانه امام صادق (علیه السلام) را زد، وارد شد. حضرت نشسته بودند، داخل آمد، حضرت دیدند این به هم ریخته است. گفت: «جابر چه چیزی ات است؟».

گفت که آقا پدر شما (یعنی امام باقر) هفتاد هزار حدیث (هفتاد هزار حدیث را شما اگر در کتاب بخواید بنویسید، چهار جلد کتاب است، پنج جلد کتاب است).

گفت که پدر شما هفتاد هزار حدیث به من یاد داده است، سَبْعُونَ أَلْفًا. خب، به من گفته است جابر یک حدیث از این احادیث هفتاد هزار باره را به هر کس گفتی، هر که می خواهد باشد؛ لعنت خدا، ملائکه، پیامبران، اوصیاء و مومنان بر تو باد.

به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد آقا من گاهی سینه ام تنگ می شود، این سینه جوش می آورد. هفتاد هزار سر از اسرار اهل بیت دارم. امام صادق (علیه السلام) چه دستوری دادند، فرمودند: «یا جابر وقتی این حالت به تو دست

داد که مانند الان این اسرار روی سینه ات سنگینی کرد، به صحرا برو «وَاحْتَفِرْ حَفِيرَةً ثُمَّ دَلَّ رَأْسَكَ فِيهَا»، (روایت در کافی است، از صحیح ترین کتاب های روایی ما)، سرت را در این گودال بکن و بگو «قُلْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ

بِكَذَّاءٍ». برو با چاه درددل کن. همان طور که علی ابن ابیطالب (علیه السلام) با چاه درددل کرد. با چاه برو دردل کن.

در زمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) این دردل های با چاه تمام می شود، این اسرار علنی می شود. من گفتم، یکی از ویژگی های زمان ظهور حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه)، زمان رجعت ائمه (علیهم السلام) که

این‌ها مقدمه قیامت است، این است که فاصله بین طریقت و شریعت برداشته می‌شود. الان ما دو جور آدم داریم، ۹۹ درصد مردم انسان‌های عادی‌اند، هم، یک درصد، یک‌دهم درصد مردم اهل سلوک‌ند، اهل سیرند، اهل مسائل روحی (هستند). چشم برزخی‌شان باز شده (است)، غیب را می‌بینند، غیب را می‌شنوند، غیب را می‌فهمند و نفس را می‌خوانند، ذهن را می‌خوانند مثل مرحوم آیت الله بهجت، مثل مرحوم بهاء‌الدینی، مثل مرحوم امام، این‌ها دیگر. مثل مقام معظم رهبری در جریان قتل‌های زنجیره‌ای، یک عزیزی برای من نقل کرد، گفت آقا فرمودند: «فلان مسئول از مسئولان اطلاعات، شش ماه بود، یک سال بود هر موقع با من ملاقات می‌کرد من کدورت نفسی پیدا می‌کردم، جانم در آزار بود و می‌فهمیدم این تغییر کرده (است)؛ این، آن فرد قبلی نیست. این تحت تاثیر قرار گرفته (است)». این‌ها ادراکات قلبی است. در زمان حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) این فاصله برداشته می‌شود، مردم همه سالک می‌شوند. این که روایت داریم یک خانمی، یک تشنه جواهر روی سرش بگذارد، از بلخ، سمرقند برود؛ یک انسان طمع نمی‌کند یکی از این‌ها مال او باشد. این که مردم در زمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) غنای نفسی پیدا می‌کنند، «وَأَجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي». یعنی یک موقع انسان ندارد و دلش می‌خواهد، یک موقع ندارد و نمی‌خواهد، از درون پر است. این به خاطر این است، آن فاصله بین طریقت و شریعت برداشته می‌شود. زیاده سخن گفتم.

«اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّبِهِ، وَأَنْصُرُهُ وَأَنْصُرِبِهِ، وَأَنْصُرُهُ نَصْرَ أَعِزِّبِهِ، وَأَنْصُرُهُ نَصْرَ أَعِزِّبِهِ، وَأَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ».

در این باقیمانده ماه رمضان، ماه خدا را قدر بدانیم و این دعا را که به ما گفتند در این شبانه‌روز زیاد بخوانیم. اگر به زبان زیاد نمی‌خوانیم، در جان خودمان زیاد تکرار کنیم. من یک بار می‌خوانم، شما هم با من بخوانید.

«اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

یعنی خدایا اگر تا الان ما را نبخشیدی، در این باقیمانده ماه رمضان قلم عفو بر جرایم اعمال ما بکش. خدایا در فرج آقا و مولایمان تعجیل بفرما.

خدایا بهترین‌ها را در این ماه و پس از این ماه روزی امت اسلامی بفرما. شر مستکبران عالم به خودشان بازگردان. مقام معظم رهبری طول عمر، سلامتی، عزت عنایت بفرما.

خدایا در نسل و ذریه ما جز عاشق قرآن و عترت قرار مده. مرضی، مریضان جسمی، روحی، روانی ما، مریضان منظور الساعه شفای عاجل عنایت بفرما. بارپروردگارا اسباب ازدواج و اشتغال جوانان ما فراهم بفرما.

خدایا هر کس بر علیه این ملت و امت خواب آشفته دیده (است)، خوابش را بر علیه خودش تعبیر و تفسیر بفرما. گذشتگان، شهدا، گذشتگان این جمع، رهبر راحل، امام عزیز امت سر سفره کرم میهمان بفرما. هر کس خواست این آخری را آمین بگوید.

خدایا پایان عمر ما را شهادت در راه خودت قرار بده. به تعبیر مقام معظم رهبری غنیمت آن باره است که یک عمر معلوم نیست چه کرده، چه نکرده (است). آن اولین قطره خون که روی زمین بریزد، همه پرونده سفید سفید بشود، «أَحْيَاهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» بشود. خدایا شهادت را روزی ما بفرما و آن چه خواستیم و نخواستیم، صلاح ما در آن است، برای ما مقدر بفرما.

نثار روح همه گذشتگان بالاخص امام امت «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ مَعَ الصَّلَوَاتِ».

پایان جلسه ششم شرح دعای افتتاح